

و این مسجدی بناکن و این آب یاب و دیگر بسیار بود در این شهر  
 که درین برکت بسیار خواهد بود آن شخص جهان که مسجدی بنیاد  
 مروج و بر برکت آمد و در وی کجای برده مید که زمستان این است  
 خشک می باشد **و از آنجا گفت** که از جامی دلوی آب پیش رسول  
 صلی الله علیه و سلم آوردند از آن دلوات بسیار شایسته و اندک آب  
 از دهان مبارک خود در دلوانه است آن دلوات را در جابه گنبد  
 از آن دلوی مشک می آمد **و از آنجا گفت** که پنهانی چشم وی  
 جهان بود که سرجه از پیش روی میدید از نسبت نیز میدید همچنان  
 که در روشنای میدید در تاریکی نیز میدید وی آنند که وی آنرا  
 یازده ستاره میدید صلی الله علیه و سلم **و از آنجا گفت** فصاحت  
 لسان و بلاغت کلام وی صلی الله علیه و سلم بحور اصح کلام و بیان  
 حکم مخصوص بود زبان محمد قبایل عسیرت خط ایف ایشانرا سگوا  
 میداشت و با کسی زبان وی سخن میگفت چنانکه بسیار بود که  
 فهم آن را حاجت مشکلی نمیداد و از وی شرح آن طلبیدند **و از آنجا**  
**گفت** که جفاستی که دندان رباعیه رسول صلی الله علیه و سلم

شکسته دندان

شکسته بود نزد فرزندان ایشان از دندان رباعیه نمی گشت **و از آنجا**  
 گفت که دست مبارک وی بهر چه رسیدی غیر و برکت گرفتنی  
 چنانکه چون به بستان کوسفند بی شیر رسیدی شیر او شدی  
 این مسود رضی الله عنه گوید که من کوسفند مردم نگاه میداشتم رسول  
 صلی الله علیه و سلم با ابو بکر هم رضی الله عنه من یکدشت رسول  
 صلی الله علیه و سلم گفت ای گوگردک هیچ شیر داری گفتم از میان  
 من اینهم گفت که هیچ مینش داری که باز جفت نشده باشند  
 همچنان میشی آوردم بستان و بر ایدست مبارک خود بنمود  
 نیز بسیار فرود آورد خود بنوشید و ابو بکر را نیز داد بعد از آن  
 بشش وی آمد و گفت مرا از زمین بوش بگردن دست مبارک  
 بس من فرود آورد و گفت گوگردکلی معلمی **و از آنجا گفت** قوت  
 رجلیت و میای آنند که در ادر مجامعت نساقوت چهل مرد بود  
 و گاه بودی که در یک ساعت از شب باروز رجه نسا خود از حرا  
 و ساری و تمه بازده سن بودند بلکه ششتمی سلمی گنبرگ وی بود که  
 الله تعالی گفته است که رسول صلی الله علیه و سلم بر زمان بنگانه خود